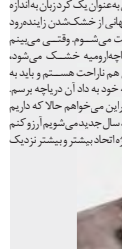


اهل کردستان

موسیقی و اتحادی که می آفریند

ارشدیر کمانگر | نوژنده و آهنگساز

آرژو می‌کنم سال نوباری همه موهوبانم از هر شهری که هستند، و هر زبان و قومیتی که دارند خوش‌بین و میمون باشند. امیدوارم موهایی که در سال قبل به هر کدام از شما وارد شده و آثار احتیاجان پروده‌امسل برودند دیگر سرافشان نایبند. آرژو می‌کنم دو صنعت اقتصادی-اجتماعی و سیاسی ایران در سال جدید است. البته آرژوهای موسیقیایی هم کم نندارم. آرژو می‌کنم و صنعت کبیرات در موسیقی ایران مشخص شود. در این زمینه اگر قافیوی وجود نداشته باشد، هنرمنان پشتوانی برای حفظ و تولید آثارشان ندارند. بنابراین ممکن است هر کسی به خود اجازه دهد با فکر آسوده و بدون نگرانی از این که با یورو خورد می‌شود از آثار هنری سواستفاده کند. در سال هاست در عرصه موسیقی فعالیت می‌کنم. تجربه‌ی موسیقی که طی مسیر در عرصه موسیقی ایران برآمده است آن می‌کنم. حضور جوان‌هایی است که با شور و رنگ زاندامشغال آدم را سر قوی می‌آورند. یکی از خواسته‌هایم برای سال جدید و



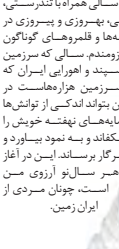
ارشدیر کمانگر، نوژنده و آهنگساز

اهل کرمانشاه

چونان مردی از ایران زمین

امیرجلال‌الدین کزازی | استاد ادبیات

نزد ما ایرانیان دهجایی که سال کن به پایان می‌رسد تا سال نو آغاز بگیرد، دهجایی است دیگرسان. هر چند نشانه‌هایی گونه‌گون است که گویای دیگریسان این ده‌جاست. حتی اگر ما به این دیگریسان باور نداشته باشیم، دست کم می‌پذیریم که چون بسیاری از ایرانیان به این دیگریسان باور دارند، این دهجایی دیگریسان می‌تواند برای دیگران، که از این دهجا، دهجایی دیگریسان می‌تواند ساخت از همین روی ما آن‌گاه که در گرد آن آیین نوروز یا سفره هفت‌سین می‌نشینیم نراحت می‌شود. آرژوهای خود را با آفریدگار جهان در میان بنهیم. پس آرژویم که بیشتر امید می‌رود که این آرژوها برآورده آرژو می‌شود. آرژو می‌شود که در آن دهجایی دیگریسان، آن دهجایی که سال‌هاست آفریننده‌ی گزشتگی است، به تازگی گزشتگی در سرت و چگونگی سالی



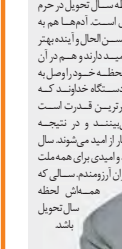
امیرجلال‌الدین کزازی، استاد ادبیات

اهل خراسان رضوی

یک بار بیشتر زندگی نمی‌کنیم

محمدعلی ابطنی | رئیس دفتر ریاست جمهوری دوره اصلاحات

لحظه سال نو قوی‌ترین لحظه امید و سرشار از انرژی مثبت است. این را بیشتر از هر چیزی در آغاز سال نو دوست دارم. همیشه در طول سال، خیلی‌ها اصطلاح ریاضی دارند که می‌گویند درخ از پارسل. این یعنی ناامیدی از موفقیت. تیره دین جهان. تلخ دین روزگار. اما همان ماه وقت سال تحویل می‌شود، امیدوارانه به هفت نگاه می‌کنند و سفره هفت سین می‌چینند و با مخصوص وصف ناشدنی می‌گویند. حال حالنا ای حسن! بهترین حالت‌ها از دل پیش رو آرژو می‌کنم. هیچکس سر تحویل سال بد نقل نمی‌زند. حرف تلخ نمی‌گوید. صصاتی نیست تقریباً همه لیکنند. آن لحظه راهمه‌لحظه امید می‌باشند. سرنوشت خوب برای سال آینده‌شان از خدایند. می‌خواهند این‌ها منظره‌ها را سال تحویل است. ناامید ترین آدم‌ها و پر مشقت‌ترین سال‌ها در لحظه سال تحویل، امیدوارند این‌ها هم همان سال زبیرترین لحظه است. چون سمردی از ایران زمین.



محمدعلی ابطنی، رئیس دفتر ریاست جمهوری دوره اصلاحات

اهل اصفهان

ز گوی یار می آید نسیم باد نوروزی

محمدعلی کشاورز | بازیگر

نوروز میراث ایران برای جهان، نوروز یکی از کهن‌ترین جشنهای به جامانده از ایران باستان است که همچنان در ایران و برخی کشورهای جهان برگزار می‌گردد. سازمان ملل نوروز را جشنی با ریشه قدمت ۳۰۰۰ ساله معرفی کرده است که بیش از ۳۰۰ میلیون نفر آن را جشن می‌گیرند. نوروز ۹۴ رو به تمامی ایرانیان و غیرایرانی‌ها که در سراسر دنیا این جشن رو برپا می‌کنند، تبریک میگم و آرژو می‌کنم. تندرست، سلامت، پیروز موفق و شاد باشید و به تمام آرژوهایتون و خواسته‌هایتون برسین. چراغ می‌آزماید. ز گوی یار می آید نسیم باد نوروزی | از یاد ار خداوند محبت جزای دل برافروزی ارانتمند و کوچک شما



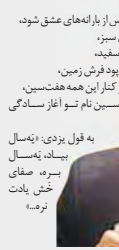
محمدعلی کشاورز، بازیگر

اهل یزد

قرار است تا بهار برنده بخواند

اسدالله شکرانه | نویسنده

آرژو می‌کنم این است که با وارد شدن به اولین دقیق سال جدید زندگی سالمتر، هوای پاکتر و دلخوشی خوش‌فروزی برای تمام مردم ایران در راه باشد. آرژو می‌کنم سال جدید است. باشد که ارانش تک‌تک ما را امیدوار سازد. سالی سرشار از آسایش، رفاه و عشق را برای تک‌تک آنها که دیده یا نادیده‌ام و دوستشان دارم آرژو می‌کنم. آرژو می‌کنم زندگی‌هایمان بهتر شود. هر قدر وضع زندگی‌ها در شئون و شوق مختلف، بهتر باشد، همه ما در مسائل خانوادگی، اجتماعی و جهانی موفق‌تر جلوه خواهیم کرد. اگر فصل بهار موسم جلوه‌گر هاست در یک زندگی بهتر، فلما فلما گل‌های زیباتری خواهیم داشت. انسان‌ها در محیطی پاکیزه، اندیشه‌های پاکیزه‌تری خواهند داشت. آنها در این شرایط بهتر تصمیم



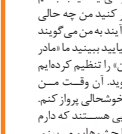
اسدالله شکرانه، نویسنده

اهل آذربایجان غربی

دیگر چه حاجت به آرژوست؟

ناصرچشم‌آذر | آهنگساز

من آذری هستم. بچه سرزمین ترکی. آرامش را دوست دارم و باز آرامش را دوست دارم. آرژویم آن است که هر گاه کی‌لام را به صورت آلبوم منتشر کنم. من شاعر سرخودم. خواننده سرخودم. ادعا ندارم، ولی برای توصیف خودم هر کاری می‌کنم. موسیقی بخش مهمی از زندگی من است. اصلاً تمام زندگی‌ام. موسیقی سنگین، آدم را غمگین می‌کند چون سربست بر نام غم‌گرونده است. اما آن گرفته و از اول تا آخر ۲۰ است. شده است شاگرد نمونه هنرستان موسیقی. دختر من از آسمانگی انگلیسی می‌خواند. فرانسوی می‌خواند. باله کار می‌کند. ساز تخصصی‌اش ویولن است. اگر خواننده بود، کارنامه‌اش را گرفته و از اول تا آخر ۲۰ است. کمال افتخار هم این‌کار را می‌کرد. با ۸-۷ دختر دوست شده و می‌آید اینجا با هم ساز می‌زنند. تصور کنید من چه حالی پیدا می‌کنم. می‌آیند به من می‌گویند: «بابای رعنا! بیاید ببینید ما مادر من، مادر من» را تنظیم کرده‌ام. شما بشنوید. آن وقت من یاد گرفتم، نت‌هایی از خوشحالی پرواز کنیم. اینها آرژوهای هستند که دارم. همه را با چشم‌هایم می‌بینم. دیگر چه حاجت به آرژوست؟



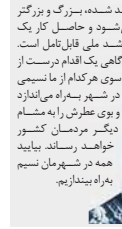
ناصرچشم‌آذر، آهنگساز

اهل خراسان شمالی

بیاید در شهر مان، نسیم به راه بیندازیم

شهره سلطانی | بازیگر

سال که نو می‌شود، یا حتی نواقی و اسفند می‌رسد و برگ‌های تقویم تندند ورق می‌خورند، آدم دلت تنگ می‌شود برای آرژو خیلی از آرژوهای برای نبودن و نداشتن. نبودن بیماری و نداشتن مشکلات اقتصادی اجتماعی. شایند محال باشد اما آرژووست دیگر سسقف که ندراد، می‌خواهم آرژو کنم درسال پیش‌رو تمام دردها و بری‌ها از دل بکنم. سمردم خت بریندند و جای خود را به آرامش و شادی دهند. سال‌ها که گذشت بیماری و درد، مرگ هنرمندان و عزیزانمان را در پی داشت. من و بسیاری از مردم سرزمینم در شوق از دست دادن‌ها و از دست دادن‌ها قرار گرفتیم. حالا بعدنیلار رسیدن به جدید قافیوی دوساره و ادامه راه زندگی هستیم. همه باید دوساره از نو شروع کنیم. زیستن را باید که امید داشت. امید به نوپودنی تمام‌میران که سال دیگری بیاید که ما آنچه تاکنون تجربه‌اش کردیم.



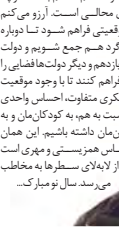
شهره سلطانی، بازیگر

اهل کرمان

همزیستی و مهر از لابه لای سطرها

هوشنگ مرادی کرمانی | نویسنده

سال نو در پیش است و روزی برای آرژو کردن. آرژو اولم برای نویسنده است. ما نویسنده‌گان از دیدارهای موجود بین خودمان از کنار برنیم. می‌شود همه را کنار جمع کرد. نویسندگان رابط عاطفی میان مرمان هستند. بنابراین باید با هم ارتباط خوبی داشته باشند. البته هر کسی باید فکر خودش را داشته باشد. در کسوفی مثل ایران از قویتم‌ها و سلاطین مختلف این تفاوت‌ها طبیعی است. اما می‌شود همه را دوست داشت، با کسی دشمنی بی‌جهت نکرد و مجتنب کسی را هم نگفت. آرژو دوم برای مردم کرمان است و به همین پناهه برایمان خاطر‌های تعریف می‌کنیم. هر مردمانی در یک جنود رفتی بودیم. مدیر مریم به گفت و رشتند ملی فرهنگ کرمان و کرمان را از آثار شما می‌شناسیم. من در مردم و فرهنگ کرمان سبب‌سازم. من در فرهنگ را در آن گذاشتم تا مردم در داستان‌هایم از آن استفاده کنند. کرمان هم باید به این توجه داشته باشد که من این فرهنگ را گسترش دادم. نه من تخم دو زرده کرده‌ام



هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده

اهل چهارمحال و بختیاری

بهارهای برای زادگاه‌تشنه...

ایام دهکردی | بازیگر

دلتنگی تو شوم به‌وقت‌بهارا، دلتنگی‌های تو دلتنگ‌گودی‌ام، دلتنگی‌های خودم سی‌سال‌نما، سی هزار سال است که در تویتوسم رفیق‌روغی



ایام دهکردی، بازیگر